

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

عنوان:

بررسی بلاغت اسالیب مجاز عقلی در قرآن

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر عزت الله مولایی نیا

نگارنده:

فائزه صفری

زمستان ۱۳۹۲

تقدیم به

پدر و مادرم

خدای رابی ساکرم که از روی کرم، پدر و مادری فداکار نصیم ساخته تا در سایه درخت پربار وجودشان بیایم و از ریشه آنها شاخ و برگ بگیریم و از سایه وجودشان در راه کسب علم و دانش تلاش نمایم. والدینی که بودنشان تاج افتخاری است بر سرم و نشان دلیلی است بر بودنم، چرا که این دو وجود، پس از پروردگار، مایه هستی ام بوده اند. دستم را گرفتند و راه رفتن را در این وادی زندگی پر از فراز و نشیب آموختند. آموزگارانگی که برایم زندگی، بودن و انسان بودن را معنا کردند...

مشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم می دانم از تمامی اساتید بزرگوارم که در طول سالیان گذشته مراد تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده اند تقدیر و مشکر بنامیم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر مولایی نیا که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده اند نهایت مشکر و سپاسگذاری را دارم.

در پایان کمال مشکر و سپاسگذاری را از خانواده ام به ویژه خواهرانم و هم چنین دوستانم، سعیده خداکرم پور، زهرا شیرینی، که مراد انجام این تحقیق یاری رسانند؛ دارم.

چکیده

یکی از ویژگی‌های قرآن کریم که آن را منحصر به فرد ساخته، شیوه‌های بیانی بسیار زیبایی است که شنونده را لبریز از سرور می‌کند. مجاز عقلی از جمله این شیوه‌های بیانی است. در پژوهش حاضر که به بررسی بلاغت اسالیب مجاز عقلی در قرآن اختصاص یافته است، تلاش بر آن بوده تا پس از تبیین مجاز عقلی و اسالیب آن، به بررسی اسالیب آن در قرآن پرداخته تا گامی هر چند کوتاه در درک بهتر قرآن برداشته شود. در این راستا به شیوه تحلیلی - کتابخانه- ای اسالیب مجاز عقلی در قرآن مورد بررسی و پژوهش قرار گرفت و آن چه به دست آمد این است که علاقه‌ی سببیت در قرآن از سایر علاقه‌های آن، بیشترین کاربرد را داشته است.

واژگان کلیدی:، بلاغت، مجاز، مجاز عقلی، قرآن کریم.

فهرست مطالب

عنوان صفحه

مقدمه	۱
فصل اول: کلیات پژوهش	۴
۱-۱. حقیقت	۵
۱-۱-۱. حقیقت در لغت	۵
۱-۱-۲. حقیقت در اصطلاح	۶
۱-۱-۳. انواع حقیقت	۶
۲-۱. مجاز	۷
۱-۲-۱. مجاز در لغت	۷
۲-۲-۱. مجاز در اصطلاح	۷
۳-۲-۱. آیا مجاز در قرآن به کار رفته است؟	۱۰
۴-۲-۱. تطور اصطلاح مجاز	۱۷
۱-۴-۲-۱. ابو عبیده و مجاز	۱۷
۲-۴-۲-۱. جاحظ و مجاز	۱۸
۳-۴-۲-۱. ابن قتیبه و مجاز	۱۹

- ۲۰.....۴-۴-۲-۱. شریف رضی و مجاز.....
- ۲۲.....۵-۴-۲-۱. قاضی عبدالجبار و مجاز.....
- ۲۳.....۶-۴-۲-۱. ابن رشیق قیروانی و مجاز.....
- ۲۳.....۷-۴-۲-۱. زمخشری و مجاز.....
- ۲۵.....۸-۴-۲-۱. سکاکی و مجاز.....
- ۲۶.....۹-۴-۲-۱. خطیب قزوینی و مجاز.....
- ۲۷.....۵-۲-۱. انواع مجاز.....
- ۲۷.....۱-۵-۲-۱. مجاز لغوی.....
- ۲۸.....۲-۵-۲-۱. مجاز عقلی.....
- ۲۸.....۱-۲-۵-۲-۱. مجاز عقلی در اصطلاح.....
- ۳۱.....۲-۲-۵-۲-۱. قرینه مجاز عقلی.....
- ۳۲.....۳-۲-۵-۲-۱. علاقه های مجاز عقلی.....
- ۳۵.....۴-۲-۵-۲-۱. اقسام مجاز عقلی.....
- ۳۶.....۵-۲-۵-۲-۱. انواع مجاز عقلی به اعتبار طرفین اسناد.....
- ۳۷.....۶-۲-۵-۲-۱. جایگاه مجاز عقلی.....
- ۳۸.....۷-۲-۵-۲-۱. بلاغت مجاز عقلی.....
- ۴۰.....۸-۲-۵-۲-۱. استعاره و مجاز عقلی.....

فصل دوم: مجاز عقلی در قرآن.....	۴۳
۱-۲. مجاز عقلی باعلاقه سببیت.....	۴۴
۲-۲. مجاز عقلی باعلاقه زمانیت.....	۶۳
۳-۲. مجاز عقلی باعلاقه مفعولیت.....	۶۹
۴-۲. مجاز عقلی باعلاقه فاعلیت.....	۷۴
۵-۲. مجاز عقلی باعلاقه مکانیت.....	۷۵
۶-۲. مجاز عقلی باعلاقه مصدریت.....	۸۰
۷-۲. مجاز عقلی باعلاقه جزئیه.....	۸۱
۸-۲. مجاز عقلی باعلاقه مسببیت.....	۸۴
نتیجه گیری.....	۸۶
فهرست منابع و مراجع.....	۸۸
منابع عربی.....	۸۸
منابع فارسی.....	۹۶
چکیده انگلیسی.....	۹۹

مقدمه

بی تردید فراگیری قرآن و تحقیق و تفحص در آن، بسیار ضروری است؛ زیرا آشنایی با قرآن، آشنایی با احکام، معارف و فرهنگ اصیل اسلامی است. خصوصاً در دنیای پیچیده امروز که این نیاز بیشتر احساس می شود. مطالب قرآن باید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا پیشرفت جامعه اسلامی وابسته به فهم صحیح قرآن است. برای دست یابی به این مهم تنها یادگیری روخوانی قرآن و حتی آشنایی با معانی ظاهری آن کافی نیست. بلکه فهم دقیق قرآن وابسته به فراگیری علوم مختلف است. علوم بلاغت یکی از آنهاست که یادگیری آن باعث درک بهتر قرآن می گردد. با در نظر گرفتن چنین اهمیتی است که دانشمندان مسلمان عرب و غیر عرب توجه ویژه ای به آن داشته اند. اما باید دانست که این مقدار توجه، کافی نیست و این امر به توجه بیشتری نیاز دارد؛ زیرا قرآن دریای بیکران است که هرچه در آن غواصی شود به قعر آن نمی توان رسید. قرآن کریم در بیان معارف بلند خود از همه زیبایی های کلام عربی که از جمله آنها مجاز عقلی است، استفاده کرده است آن هم در حدی که شگفتی سخنوران و بزرگان شعر و ادب را برانگیخته است.

بیان مسأله تحقیق

قرآن کریم شاهکار ادبی عالم، تنها نثر دست نخورده و مورد اطمینان به زبان عربی فصیح است و دارای صدها اسلوب ادبی در حد اعجاز است و در همه ی آن اسلوبها، سرآمد همه ی متون ادبی است. یکی از اسلوب های قرآن کریم مجاز عقلی است که در قرآن کریم در گستره ی بسیار وسیعی در ساختارهای گوناگون جمله ها و شبه جمله ها به کار رفته است و پژوهش دقیق ادبی آن نیاز جامعه ی قرآنی امروز و زمینه پژوهش های بعدی است. هدف در این پژوهش، بررسی بلاغت اسالیب مجاز عقلی در قرآن کریم است. برای این منظور پس از استخراج آیات مربوط به این اسلوب با مراجعه به کتب بلاغی و تفاسیر ادبی، به بررسی نوع علاقه ی آن پرداخته ایم. با بررسی این موضوع مشخص گردید که علاقه ی سببیت بیش ترین کاربرد را در قرآن داشته است. اینک سوال های اصلی این است که:

۱- کدام یک از علاقه‌های مجاز عقلی بیشترین کاربرد را در قرآن کریم دارد؟

۲- هدف مجاز عقلی در قرآن چیست؟

ضرورت انجام تحقیق

قرآن برترین و پرجاذبه‌ترین کتابی است که بشر در طول حیات خود دیده است و برای تاثیر گذاری آن در نفوس لازم است که مواضع بلاغی آن مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش با بررسی اسالیب مجاز عقلی در قرآن در پی آن است که کدام یک از علاقه‌های مجاز عقلی بیشترین کاربرد را در قرآن داشته است.

فرضیه‌ها

۱- از میان علاقه‌های مجاز عقلی، علاقه سببیت بیشترین کاربرد را در قرآن دارد.

۲- اصلی ترین هدف مجاز عقلی در قرآن، جاندار انگاری و جان بخشیدن به اشیاء بی‌جان

است.

روش انجام کار

شیوه کار در تحقیق، کتابخانه ای است. این پژوهش متشکل از دو فصل می باشد: در فصل اول ابتدا به معنای لغوی و اصطلاحی حقیقت و مجاز و بیان انواع هر یک و بیان نظر موافقین و مخالفین وجود مجاز در قرآن و سیر تطور مجاز پرداخته‌ایم. سپس به ارائه تعاریفی از مجاز عقلی از منظر علمای بلاغت و انواع آن و بیان قرینه و علاقه‌های آن همراه با شاهد مثال‌هایی از قرآن پرداخته‌ایم.

در فصل دوم به بررسی مجاز عقلی در آیات قرآنی بر طبق علاقه پرداخته‌ایم. به این صورت که ابتدا نوع علاقه را مشخص کرده و سپس آیه‌هایی را که از منظر علمای مختلف بلاغی و تفسیری دارای آن علاقه هستند را در ذیل آن علاقه قرار داده‌ایم.

سابقه و پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده منبعی که به صورت مستقل به بحث مجاز عقلی در قرآن پرداخته باشد، وجود ندارد و اسلوب مجاز عقلی هم چون سایر اسلوب‌های بلاغی در لابه لای کتاب‌های دیگری چون: "مجاز القرآن" محمد حسین علی صغیر، "تلخیص البیان فی مجازات القرآن" شریف رضی، "البلاغة العربیة" عیسی باطاهر، "کشاف" زمخشری، "المبسوط فی علوم البلاغة" محمد طاهر لادقی آمده است و در انجام این پژوهش از نرم افزار جامع تفاسیر نور نیز استفاده شده است.

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱. حقیقت

یکی از مباحث علم بیان، بحث حقیقت و مجاز است. هدف نهایی باتوجه به علم بیان، مجاز است. زیرا با مجاز می‌توان یک سخن را با شیوه‌های گوناگون ارائه کرد نه با حقیقت. لیکن چون حقیقت، برای مجاز مانند اصل است، از این رو عادت شده که نخست، بحث از حقیقت می‌شود. زیرا به کار بردن یک کلمه در غیر معنایی که بر آن وضع شده است فرع به کارگیری آن کلمه در معنایی است که بر آن معنی وضع شده است.

۱-۱-۱. حقیقت در لغت

حقیقت از ریشه "ح ق ق" بر وزن فعلیه به معنای ضروری و ثابت و پا بر جای بودن است. ابن منظور در تعریف این واژه می‌گوید: حقیقت آن است که ضرورت و وجوب امر به آن برمی‌گردد: "ما یصیر إلیه حَقُّ الأمر و وجوبه". این واژه در اصل، فعلیل به معنای فاعل بوده و از «حق» به معنی «ثبت» و یا به معنی مفعول است که از «حَقَّقْتُهُ» به معنی «أَثَبْتُهُ» گرفته شده است یعنی آن را استوار ساختم یا آن را در جای خویش قرار دادم. این کلمه از وصفیت نقل داده شده برای کلمه‌ای که در جای اصلی خویش ثابت باشد، یا آن را ثابت داشته باشند و "ة" در این کلمه (حقیقه) نشانه نقل از وصفیت به اسمیت است.^۱ لیکن سکاکی آن را نشانه تأنیث می‌داند.^۲

^۱ - ابن منظور، لسان العرب، الطبعة الثانية، (بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق)، ج ۱۰، ص ۵۲.

^۲ - طیبی، التبیان فی البیان، (محقق: عبد الستار حسین زموط)، الطبعة الاولى، (بیروت: دارالجمیل، ۱۴۱۶ ق)، ص ۳۶۹؛ عبد الفتاح لاشین، البیان فی ضوء اسالیب القرآن، الطبعة الثالثة، (القاهرة: دارالمعارف، ۱۹۹۲ م)، ص ۱۴۵؛ سعد الدین تفتازانی، المطول فی شرح تلخیص المفتاح، (مصحح: احمد عزوعنايه)، الطبعة الاولى، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا)، ص ۵۶۵؛ ابن نقیب، مقدمه فی تفسیر ابن النقیب فی علم البیان و المعانی و البدیع، الطبعة الاولى، (قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۴۱۵ ق)، ص ۲۱.

^۳ - سکاکی، مفتاح العلوم، الطبعة الثانية، (بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ق)، ص ۳۶۰.

۱-۱-۲. حقیقت در اصطلاح

در اصطلاح حقیقت عبارت است از هر کلمه ای که از آن، معنی قرار دادی آن، اراده بشود، بی آنکه به غیر این معنی دلالت کند.^۱ ابن جنی و ابن اثیر نیز در تعریف حقیقت می گویند: "حقیقت عبارت است از کاربرد لفظ در معنای اصلی خود".^۲

برخی از علمای بلاغت در تعریف حقیقت و مجاز اصطلاح تخاطب را می آورند و می-گویند: حقیقت عبارت است از کاربرد لفظ در معنایی که در اصطلاح تخاطب برای آن قرار داده شده است.^۳ اصطلاح تخاطب یعنی اصطلاحی که با آن گفت و گو می شود و بر اساس آن حرف می زنند و سخن می گویند، مثل اصطلاح علم صرف، اصطلاح علم نحو و...

۱-۱-۳. انواع حقیقت

حقیقت به حسب واضع آن به چهار قسم لغوی، شرعی، عرفی عام و عرفی خاص تقسیم می شود^۴ و در اصطلاح علم بیان، به دو قسم "لغوی" و "عقلی" تقسیم می شود.

^۱ - شمس الدین محمد خطیبی خلیخالی، *مفتاح تلخیص المفتاح*، (محقق: هاشم محمد هاشم محمود)، الطبعة الاولى، (قاهره: المكتبة الازهریه للتراث، ۲۰۰۷ م)، ج ۲، ص ۵۵۴؛ فخر الدین رازی، *نهاية الايجاز في درايه الاعجاز*، (محقق: نصرالله حاجی مفتی اوغلی)، الطبعة الاولى، (بیروت: دار صادر، ۱۴۲۴ ق)، ص ۹۱؛ فضل حسن عباس، *البلاغه فنونها و افنانها*، الطبعة الاولى، (عمان: دار الفرقان، ۱۴۲۰ ق)، ص ۱۲۸؛ احمد سعد محمد، *التوجيه البلاغی للقراءات القرآنیة*، الطبعة الاولى، (قاهره: مكتبة الآداب، ۱۴۱۸ ق)، ص ۳۷۹؛ علی جرجانی، *الاشارات و التنبیها ت في علم البلاغه*، (محقق: عبد القادر حسین)، (قاهره: دار غریب، بی تا)، ص ۲۵۸؛ بدرالدین دمشقی، *المصباح فی المعانی و البیان و البدیع*، (محقق: عبد الحمید هنداوای)، الطبعة الاولى، (بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق)، ص ۱۷۱.

^۲ - ابن جنی، *الخصائص*، (محقق: عبد الحمید هنداوای)، الطبعة الاولى، (بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق)، ج ۲، ص ۲۰۸؛ ابن اثیر، *المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر*، (قاهره: دار نهضة مصر، بی تا)، ج ۱، ص ۸۴.

^۳ - سیوطی، *شرح عقود الجمان*، (محقق: محمد عثمان)، الطبعة الاولى، (قاهره: المكتبة الازهریه للتراث، ۲۰۱۱ م)، ص ۲۷۵؛ محمد بامیانی، *دروس فی البلاغه*، الطبعة الاولى، (بیروت: موسسه البلاغه، ۲۰۰۸ م)، ج ۴، ص ۹۰؛ ابن عقیله مکی، *الزیاده و الاحسان علوم القرآن*، الطبعة الاولى، (شارقه: جامعه الشارقه، ۱۴۲۷ ق)، ج ۵، ص ۴۳۶.

^۴ - تفتازانی و دیگران، *شروح التلخیص*، الطبعة الاولى، (قاهره: دار البصائر، ۱۴۲۹ ق)، ج ۱، ص ۲۴۹؛ عصام الدین إسفراینی، *الاطول الاطول فی شرح تلخیص مفتاح العلوم*، الطبعة الاولى، (قاهره: المكتبة الازهریه للتراث، ۲۰۰۸ م)، ج ۲، ص ۱۱۸؛ طیبی، پیشین، ص ۳۶۸؛ عیسی باطاهر، *البلاغه العربیه*، الطبعة الاولى، (بیروت: دار الکتب الجدید المتحدہ، بی تا)، ص ۹۹.

حقیقت لغوی عبارت است از استعمال لفظ در معنای موضوع له و حقیقت عقلی عبارت است از اسناد فعل و شبه فعل به فاعل حقیقی خود.^۱

۱-۲. مجاز

۱-۲-۱. مجاز در لغت

مجاز از ریشه "ج و ز" و در لغت به معنی گذشتن و پیمودن و راه گذر است^۲ و در مقابل حقیقت قرار دارد. در مقایسه اللغه، در ماده‌ی "ج و ز" برای آن، دو معنی ذکر شده است: ۱- قطع کردن چیزی. ۲- وسط چیزی. ۳- مجاز در تعریفی دیگر، به معنای طریقه، روش و وسیله به کار رفته است: "جعل فلانٌ ذلك الأمر مجازاً إلى حاجته، أي طریقاً و مسلکاً".^۴

۱-۲-۲. مجاز در اصطلاح

در اصطلاح بلاغت شناسان عبارت است از به کار بردن لفظ در غیر معنای موضوع له همراه با قرینه‌ای که مانع از اراده‌ی معنای اصلی می‌شود و مجاز باید همراه با قرینه و علاقه باشد.^۵

^۱ - سعد الدین تفتازانی، مختصر المعانی، الطبعة الاولى، (قم: مکتبه العلمیه، ۱۳۸۴ ش)، ج ۱، ص ۵۰.

^۲ - ابن منظور، پیشین، ج ۵، ص ۳۲۶.

^۳ - احمد بن فارس، مقایسه اللغه، الطبعة الاولى، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۱ م)، ص ۲۱۳.

^۴ - اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، (بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷ م)، ص ۱۹۸.

^۵ - محمد طاهر لادقی، المبسط فی علوم البلاغه المعانی و البیان و البدیع، الطبعة الثانیه، (بیروت: المکتبه العصریه ۱۹۶۳ م)، ص ۲۱۳؛ کمال الدین زملکانی، البرهان الکاشف عن اعجاز القرآن، (محقق: خدیجه الحدیثی)، الطبعة الاولى، (بغداد: مطبعه العانی، ۱۹۷۴ م)، ص ۹۹؛ ابن اثیر، الجامع الکبیر فی صناعه المنظوم من الکلام و المثنوی، (محقق: عبد الحمید هنداوی)، الطبعة الاولى، (قاهره: دار الآفاق العربیه، ۲۰۰۷ م)، ص ۱۴۸؛ یوسف غزّی، الجامع المشید و العقد المنضد، (محقق: محمد سعید شحاته)، الطبعة الاولى، (قاهره: مکتبه الآداب، ۱۴۲۰ ق)، ص ۴۹؛ قدری مایو، المعین فی البلاغه، الطبعة الاولى، (بیروت: عالم الکتب، ۱۴۲۰ ق)، ص ۲۹؛ علی جرجانی، التعریفات، چاپ چهارم، (تهران: انتشارات ناصر خسرو، بی تا)، ص ۸۸.

قرینه: به کاربردن علامت و نشانه‌ای است که نشان دهد معنای حقیقی منظور نیست و ذهن شنونده را از معنای حقیقی منصرف سازد و از این رو بدان قرینه صارفه می‌گویند. قرینه بر دو قسم است:

قرینه لفظیه: قرینه‌ای است که در کلام ذکر می‌شود.

قرینه حالیه: قرینه‌ای است که در کلام ذکر نمی‌شود و از سیاق جمله فهمیده می‌شود. چنانکه در تنگنای فرصت می‌خواهید غافل را از خطر افتادن در چاه یا آتش آگاه کنید یک کلمه‌ی چاه یا آتش می‌گویید و باقی جمله را حذف می‌کنید چون از وضع و حال گوینده معلوم می‌شود که مقصود چیست.

علاقه: ارتباطیست که بین معنای حقیقی و معنای مجازی و عارضی وجود دارد. علاقه نیز ممکن است از نوع مشابهت یا غیر مشابهت باشد.^۱ که اگر علاقه از نوع مشابهت باشد استعاره نامیده می‌شود و اگر از نوع مشابهت نباشد مجاز مرسل نامیده می‌شود.

سکاکی در تعریف مجاز می‌گوید: "مجاز عبارت است از کلمه‌ای که در غیر ما وضع له (یعنی در غیر معنی اصلی خود) به کار رفته در حالی که این استعمال در غیر معنای اولیه با نسبت دادن به نوع حقیقی آن محقق گردیده است، به همراه قرینه‌ای که از تبادل معنای حقیقی آن به ذهن جلوگیری می‌کند."^۲

عبدالقاهر جرجانی نیز مجاز را بر وزن مَفْعَل از (جَاَزَ الشَّيْءُ يَجُوزُهُ) به معنی تجاوز و تعدی کردن دانسته و می‌گوید: "هرگاه لفظ از اصل خویش عدول کند آن را مجاز می‌گویند.

^۱ - صادق مکی، الفوائد فی الفصاحه و البلاغه العربیه، الطبعه الاولی، (عمان: دار المیسره، ۱۴۲۷ ق)، ص ۸۴؛ ابوذر عباچی، علم البیان، الطبعه الاولی، (تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۱ ش)، ص ۱۱۱؛ آمال یوسف سید، ماجده زین العابدین حسن، البیان دراسه فی المصطلح و الدلاله، الطبعه الاولی، (عربستان: مکتبه المتنبی، ۱۴۳۲ ق)، ص ۷۶.

^۲ - سکاکی، پیشین، ص ۳۵۹.

بدین معنی که مردم آن واژه را از جایگاه اصلی خود گذرانده‌اند، یا این که خود لفظ از جایگاه نخستین خود که در آن قرار داشته، فراتر رفته است.^۱

و نیز می‌گوید: "مجاز آن کلمه ای است که با آن معنایی به جز معنایی که واضح برای آن ساخته است اراده بشود، به سبب ارتباطی که میان معنی دومی و اولی هست و نیز می‌توان گفت: هر کلمه ای که جایز است از مفهوم اصلی تجاوز کند و به چیزی دلالت کند، که نخست بار برای آن ساخته نشده، بی‌آنکه در آن وضع تازه‌ای رخ داده باشد، با وجود علاقه‌ای که معنی دوم را تجویز می‌کند و از معنی اصلی آن گذر داده می‌شود، آن کلمه مجاز است."^۲

به نظر خطیب قزوینی: ظاهراً مجاز از "جعلتُ کذا مجازاً الی حاجتی" گرفته شده، یعنی آن را وسیله رسیدن به حاجتم قرار دادم. براین اساس که "جاز المکان" به معنی پیمودن مکان باشد چون که مجاز، راه به سوی معنایی است که از آن اراده شده است. بنابراین مجاز اسم مکان یعنی محل عبور است و به معنی گذشت و عبور کرد، نیست.^۳

کوتاه سخن آنکه مجاز به اعتقاد عبدالقاهر جرجانی منقول از مصدر میمی به معنی حدث، یعنی گذشتن یا عبور دادن است و به اعتقاد خطیب قزوینی منقول از مصدر میمی به معنی اسم مکان، یعنی محل عبور است و مناسبت نقل، این است که مجاز محل عبور به معنای مراد است.

ابن رشیق قیروانی نیز در تعریف آن می‌گوید: "أن یسمى الشیء باسم ما قاربه أو کان منه بسبب" یعنی نامیدن یک شیء به اسمی که بین آن دو نوعی تقارب وجود داشته باشد یا اولی، به عنوان سببی برای دومی باشد و مجاز را از حقیقت بلیغ تر می‌داند. به طور مثال جریر بن عطیه می‌گوید:

إِذَا سَقَطَ السَّمَاءُ بِأَرْضِ قَوْمٍ
رَعَيْنَاهُ وَإِنْ كَانُوا غَضَاباً

^۱ - عبد القاهر جرجانی، اسرار البلاغه، (بیروت: دار المعرفه، ۱۳۸۹ ش)، ص ۳۰۴.

^۲ - همان، ص ۳۰۴.

^۳ - خطیب قزوینی، الايضاح فی علوم البلاغه، (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق)، ص ۲۰۵.

چون آسمان بر زمین قومی بیبارد، حیواناتمان را در آن خواهیم چرانید؛ هرچند آن قوم خشمگین باشد.

منظور از "آسمان" به قرینه‌ی نزدیکی "باران" است و منظور از چرانیدن، گیاهانی است که به واسطه‌ی باران می‌رویند؛ وگرنه باران قابل چرا نیست.^۱

۱-۲-۳. آیا مجاز در قرآن بکار رفته است؟

یکی از مباحث جنجال بر انگیز در علوم قرآن، استعمال مجاز در قرآن است و این موضوع تقریباً مورد توجه اکثر قرآن پژوهان در سده‌های گذشته بوده است. اگر بخواهیم فهرستی از دانشمندانی که تا قرن پنجم هجری به بحث درباره‌ی مجاز پرداخته‌اند به دست دهیم، نخست باید از ابو عبیده معمر بن المثنی نام ببریم که کتابی با عنوان "مجازالقرآن" را تالیف کرد و سپس جاحظ را می‌توان نام برد که اولین مولفی شمرده می‌شود که مجاز را در برابر حقیقت قرار داده است و از میان متکلمان اهل سنت نیز ابن قتیبه در کتاب "تأویل مشکل القرآن" به تفصیل درباره‌ی مجاز بحث کرده است و قاضی عبد الجبار معتزلی هم آخرین شخصیت مهم در قرن چهارم و ابتدای قرن پنجم است که به بحث از مجاز پرداخته و از وجود مجاز در قرآن و زبان عربی دفاع کرده است.

جلال الدین سیوطی، قرآن پژوه معروف، در این باره می‌نویسد: "در میان دانشمندان اختلافی نیست که در قرآن حقیقت واقع شده و حقیقت عبارت است از هر لفظی که در معنای حقیقی خود استعمال شده باشد و هیچ گونه تاخیر یا تقدیمی در آن رخ نداده باشد و بیشتر کلمات و جمله‌ها حقیقت‌اند. اما نظر آن‌ها در مورد مجاز مورد اختلاف است.^۲ جمهور دانشمندان معتقد به وقوع مجاز در قرآن‌اند. اما گروهی وجود آن را انکار کرده‌اند. از جمله

^۱ - ابن رشیق قیروانی، العمده، (بیروت: مکتبه الهلال، ۲۰۰۲ م)، ج ۱، ص ۴۲۲.

^۲ - سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، الطبعة الثالثة، (بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۱۶ ق)، ج ۲، ص ۷۵۳.

منکران وجود مجاز در قرآن: ظاهریه، ابن القاص از شافعی‌ها و ابن خويز منداد از فرقه مالکی -
ها هستند.^۱

شبهه منکران این است که مجاز همانند دروغ است، و قرآن از دروغ منزّه است بنا بر -
این از مجاز نیز باید منزّه باشد، همچنین گوینده هنگامی به مجاز رو می‌آورد که از استعمال
حقیقی در تنگنا باشد و در این صورت است که به عاریه گرفتن لفظ از حقیقت و استعمال
مجاز رو می‌آورد اما محال است که خدای بلند مرتبه برای استعمال حقیقت در تنگنا قرار گیرد
و ناگزیر به استعمال مجاز گردد. پس قرآن تنها شامل حقایق است و مجاز در قرآن راه
ندارد.^۲ اما این شبهه بی‌پایه و اساس است و بلاغیون این دیدگاه را رد کرده‌اند؛ زرکشی،
تفتازانی، جرجانی در پاسخ گفته‌اند که زیبایی قرآن به مجازات اوست و "المجاز أبلغ من
الحقیقة"^۳.

هم چنین مجاز با کذب از دو جهت متفاوت است:

۱. مجاز مبنی بر تأویل است، یعنی ادعا می‌شود که مشبه داخل در جنس مشبه به است بدین
سان که افراد مشبه، به دو قسم می‌گردد: متعارف و غیر متعارف، لیکن در دروغ تاویلی وجود
ندارد.

۲. دومین فرق مجاز با دروغ اینست که در مجاز قرینه گمارده می‌شود بر این که نشان دهد
خلاف ظاهر مراد است. مجاز باید قرینه‌ای داشته باشد که از اراده معنی موضوع له باز دارد.^۴

^۱ - محمد رمضان جربی، ابن قتیبه و مقایسه البلاغیه و الادبیه و النقدیه، الطبعه الاولى، (قاهره: مکتبه الآداب، ۲۰۱۰ م)، ص ۸۳؛
بدرالدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، (محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم)، (بیروت: دارالجمیل، ۱۴۰۸ ق)، ج ۲، ص ۲۵۵.

^۲ - عبدالفتاح فیود، علم البیان دراسه تحلیلیه لمسائل البیان، الطبعه الثانيه، (قاهره: دارالمعالم، ۱۴۲۵ ق)، ص ۱۱۸؛ سیوطی، معترک
الاقران فی اعجاز القرآن، (مصحح: احمد شمس الدین)، الطبعه الاولى، (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق)، ج ۱، ص ۱۸۶؛
بدرالدین زرکشی، پیشین، ۲۵۵.

^۳ - سیوطی، پیشین؛ بدرالدین زرکشی، پیشین، ص ۲۵۵.

^۴ - همان.

از منکران وجود مجاز در قرآن ابن قیم جوزیه است. وی در کتاب "مختصر الصوائق المرسله" به گمان خود با پنجاه دلیل ثابت کرده است که در قرآن مجاز راه نیافته و خدای حکیم احتیاجی به مجاز گویی نداشته است. لذا تمام آنچه در مورد اسم‌ها و صفت‌های خداوند آمده است عین حقیقت است.

ایشان تقسیم الفاظ به حقیقت و مجاز را مردود دانسته و می‌نویسد که تقسیم الفاظ به حقیقت و مجاز یا عقلی است یا شرعی یا لغوی یا اصطلاحی که سه قسم اول باطل است؛ زیرا هیچ راهی برای عقل در تقسیم الفاظ نیست، چون اگر عقل را راهی در این زمینه بود نباید میان ام‌ها در این باره اختلافی باشد و هیچکس نباید جهل به آن داشته باشد، لذا این تقسیم عقلی نیست. این تقسیم در شرع نیامده و هیچ اشاره‌ای هم به آن نشده است. اهل لغت هم نگفته‌اند که عرب لغت‌های خود را به حقیقت و مجاز تقسیم کرده و هیچ عربی نگفته که این لفظ حقیقت است و آن لفظ مجاز است و در کلمات خلیل و سیبویه و فراء و اصمعی هم این مطالب نیامده است. این مطالب نیز در کلمات صحابه و تابعین نیامده است و شافعی با کثرت مباحثاتش با محمد بن حسن شیبانی از لفظ مجاز استفاده نکرده است و در رساله خود هیچ کجا از مجاز سخن نگفته است بلکه اولین کسی که از مجاز سخن گفته است ابو عبیده معمر بن مثنی است که در تفسیر قرآن کتابی نوشت و نام آن را مجاز القرآن نامید که منظور تفسیر قرآن است.^۱

اما به نظر می‌رسد که این سخنان ابن قیم، خودش ناقض خودش است؛ زیرا از نظر زمانی و تاریخی شافعی با ابو عبیده هم دوره بوده و شافعی در سال ۲۰۴ هـ ق و ابو عبیده در سال ۲۰۹ هـ ق از دنیا رفته‌اند و اگر فردی در همان زمان اسم کتاب خود را مجاز القرآن گذاشته، نشان از این دارد که این مطالب در آن دوره به صورت گسترده مطرح بوده که عالمی آن را در یک اثر جمع آوری کرده و نامش را مجاز القرآن نامیده است.

^۱ - ابن قیم جوزیه، مختصر الصوائق المرسله، (مصحح: زکریا بن علی بن یوسف)، (قاہرہ: مطبعہ الامام، بی تا)، ج ۲، صص ۲۷۱-